

اعتراضات شکوهمند نپال و آینده نامعلوم!

ناصر بابامیری

کشور نپال در جنوب آسیا نیز که سالهاست در بی ثباتی سیاسی بسر می برد و یکدوره ده سال گریبانگیر جنگ داخلی بود، سپتامبر امسال بدلیل عمیقتر شدن شکافهای طبقاتی، نابرابری سیاسی و اوضاع وخیم اقتصادی و فساد و استفاده دولت از محدودیتهای رسانه های اجتماعی و بویژه مسدود کردن، فیس بوک، تویتور و اینستاگرام، اعتراضات توده ای در آن به اوج خود رسید. متعاقبا سپتامبر 2025 در سراسر شهرهای نپال شهروندان بیشتر جوان از مدارس گرفته تا دانشگاه تا جوانان بیکار بعنوان پیشقراول این ناراضایتها به خیابانها سرازیر شدند. موج اعتراضات سراسری در همان ساعات آغازین چنان توده گیر و پر جوش و خروش بود که نخست وزیر کشور «کی.پی.شارما اولی» همراه با کابینه اش وادار به استعفا شدند. طی این دو هفته ده ها نفر کشته و صدها نفر زخمی و هزاران نفر از سوی نیروهای ضد شورش دستگیر شده اند و متقابلا صحنه های بسیار شکوهمندی را در رویارویی با مقامات امنیتی و سازمان و نهادهای دولتی طومار کردند.

رویکرد جدید ناراضایتها هر چند جوانان بیکار و دانشجویان بدنه اعتراضاتی آنها تشکیل می دهند، و تا کنون جلوه های با شکوهی را در مبارزات خود علیه وضع موجود ثبت کرده اند، و حتی بخشهایی از کارگران اعتصب کرده یا به این اعتراضات سراسری پیوسته و در آن مشارکت داشته اند، بدلیل عدم حضور یک آلترناتیو پیشرو و هنوز آینده روشنی پیشارو ندارد. دانش آموزان و دانشجویان و جوانان بیکار و کارگران هر چند در ظرفیتهای فردی از سازماندهندگان این موج عظیم اعتراضی هستند، اما طبقه کارگر هنوز در قامت رهبری کننده و سازمانده این اعتراضات عرض اندام نکرده است.

رهبری طبقه کارگر در کشور نپال هم عموما از دهه نود میلادی 1990 به این سو سرنوشتی مشابه رهبران طبقه کارگر در سایر نقاط جهان را داشته، که بنوعی صرفا به فعالیتهای اتحادیه گرائی و سندیکالیزم روی آورده است. رشد رفرمیسم در میان آنها به بهانه مبارزه برای کسب مطالبات حداقلی، کل افق مبارزه طبقاتی و سیاسی آنها را فرا گرفته است متاسفانه. به همین اعتبار بدنه این طبقه و بخش پیشرو آن که هنوز انقلابی مانده است، مبارزه سخت و فرساینده ای را پیشارو دارد. نخست مبارزه با استثمارگران از هئیتهای حاکمه سرمایه داری گرفته تا کارفرمایان در نپال، دوم مبارزه و کشمکش درون طبقه که رهبری آنها عمدتا رفرمیستها و چپ های لیبرال عملا بدست گرفته اند. کمالینکه احزاب سوسیالیست و کمونیست نپال نیز در بهترین حالت یک جریان چپ یا سوسیال دمکرات بیش نیستند و تنها اسم کمونیسم و سوسیالیسم را یدک می کشند و سرنوشتی مشابه رهبران رفرمیست کارگری در اتحادیه ها و سندیکاها را دارند. و خود این وضعیت موجب شده شهروندان جوان معترض نه تنها علیه مناسبات حاکم و رویکرد گرایشهای باشند که بعنوان ائتلافی متشکل از چپ سنتی و لیبرال... عمل می کنند و قدرت سیاسی را قبضه و اقتصاد کشور را در چنگال گرفته اند، بلکه از احزاب به ظاهر کمونیست و رهبران رفرمیست طبقه کارگر که در تلاشند بدنه و بخش پیشرو کهرگری را به سیاه لشکر سیاستهای دولتها تبدیل کرده اند، نیز بنوعی فاصله بگیرند.

اصطلاح جامعه شناختی "نسل ها" تاریخی بیش از یک قرن پشت سر دارد. از اواخر قرن نوزده 1883 این ترم را تنورپردازان روانشناختی جامعه حول تبیین از رویدادهای اجتماعی در برابر تبیین رایج کمونیستها از پدیده انقلاب وارد ادبیات سیاسی کردند تا جایگاه طبقه و نقش تاریخی آن در انقلاب را حاشیه ای کنند. کمالینکه امروزه مدیا بورژوازی هم بعنوان زرادخانه ای جنگ سردی علیه وجود طبقات در تلاش است تا در بحث "شکاف نسلی" از زوایه بورژوازی در آن بدمد که این "نسل ها اعم از نسل خاموش تا ۷۰ .. ، "Z"خاستگاه طبقاتی ندارند!

بحث "انقلاب Z" امروز در میان راست و چپ بورژوازی سهل است حتی بخشی از کمونیستهای تجدیدنظر طلب را حول خود بسیج کرده است. کمالینکه نزد پوپولیستها و فیمنیستها و کمونیسم بورژوازی "انقلاب زنانه" و "انقلاب زن زندگی آزادی" و "انقلاب و جنبش مهسا" در بورس قرار گرفته است.

شهروندان جوان معترض در نپال هم مثل هر جای دیگر این جهان طبقاتی متعلق به طبقات اجتماعی هستند که به یقین خاستگاه طبقاتی و سیاسی یکسانی ندارند. جوانان عاصی از وضع موجود که اتفاقا اسیر وجود مناسبات طبقاتی هستند

که آنها هیچ نقشی در پیدایش این دیوار و باروها که به دورشان کشیده شده است ندارند. و نظم موجود را بزرگترین مانع سر راه خود برای نیل به دنیای آزاد و برابر و فارغ از وجود طبقات می بینند. همین جوانانی که حتی از دسترسی به شبکه های اجتماعی محروم میشوند، تا در کشورشان میان این طبقه ای بواقع انقلابی و آنان دیوار چین بکشند. تنها طبقه انقلابی که از این پتانسیل بالقوه برخوردارست که اگر حاصل نیروی کارش از سوی طبقه انگل سرمایه داری و طبقات بورژوازی و خردبورژوازی شهری گرو و غصب نگردد، اگر ابزار تولید را به همین صاحبان واقعی برگردانند، اگر این طبقه مفتخور سایه اش را از سر آنان بردارد، شکاف های موجود زوده خواهد شد و نیاز به کشف "شکاف نسلی" نیست. و این مناسبات نابرابر و استثمارگرانه مزدی را از پایه دگرگون خواهد کرد. و خلاقیت و نبوغ و توانایی های بشریت اعم از ما جوانان در فضایی تماما امن بدور از جنگ و میلیتاریزم، بدور از وجود شکافهای طبقاتی، بدور از پاکسازی قومی، بدور از اختناق، سیاسی و تبعیض و نابرابری شکوفا خواهد شد. خیزش شهریور 1401 در ایران و اعتراضات سال 2022 در سریلانکا و بنگلادش علیه نظم موجود از این حیث که جوانان و خصوصا زنان در آن ایفاء نقش کردند و از رهبران و سازماندهندگان اصلی آن بودند شباهتهای زیادی به اعتراضات جوانان در کشور نپال دارند اما در میان این دولتها حافظ سرمایه، رژیم ایران رکورد وحشیانه ترین و سبعانه ترین شیوه سرکوب را به روال همیشه شکست.

اما اکنون شهروندان جوان باید در ترم "شکاف نسل ها" چشم به بازیگران صحنه کثیف سیاست این یا آن ائتلاف احزاب و سازمانها در پارلمان بدوزند که با استعفای نخست وزیر و کابینه ای، طیف دیگر از شهروندان را وارد سیستم پارلمانی کنند و جامعه معترض نپال را برای چند سال و دهه دیگری دنبال نخود سیاه بفرستند. این وعده وعده های دروغین نخست وزیر موقت تنها سر دواندن جوانان است و چیزی از این مناسبات ظالمانه و نابرابر را تغییر نخواهد داد! «سوشیلا کارکی، قاضی پیشین دیوان عالی و نخست وزیر موقت تازه نپال، روز یکشنبه ۱۴ سپتامبر در نخستین اظهارات خود تأکید کرد که دولت او مطالبات جوانان معترض را برای پایان دادن به فساد، و همچنین برای اجرای برابری اقتصادی و اعمال حکمرانی شفاف متحقق می سازد... ما باید با اندیشه نسل جوان (زد) کار کنیم و مصمم باشیم که به این هدف برسیم». این مناسبات را با عزل مهرهای فاسد و جایگزینی مهرهای دیگر حتی اگر جوانان باشند، نمی توان تغییر داد. با این عزل و نصبها و انتخابات فرمایشی پارلمنتاریستی تنها و تنها مناسبات ظالمانه بقایش حفظ خواهد شد. و دیری نخواهد گذشت آنبخش از جوانان را نیز که به نمایندگی از جوانان پر شور علیه وضع موجود، وارد نهاد و سازمانهای عریض و طویل دولتی نموده اند یا فاسد خواهند نمود یا بایستی دگر باره علیه این مناسبات پوسیده به صف معترضان و شورشیان ببینند. جوانان نپال نیز بایستی این شور انقلابی را برای تغییر و آینده شایسته انسان امروزی با مبارزات تنها طبقه بواقع انقلابی و کمونیستهای اینترناسیونالیست در سراسر شهرهای نپال گره بزنند که سرمایه داری و جناحهای اعم از راست و چپ با تمام توان و زورش در برابر این اردو صف کشیده تا رابطه ارگانیک آنها را در محیط کار و زندگی سهل است حتی در دنیای مجازی نیز از هم بگسلد.

16.09.2025